

مدنیت غرب روشن شده است (ص ۲۱) و حتی برخی واژه‌های طبایع الاستبداد (چون استبعاد و اعتساف و غیره) عیناً در آن آمده است (حائری، ص ۲۲۳). اما بررسی دو کتاب نشان می‌دهد که تنبیه‌الامة برخلاف طبایع الاستبداد، دارای سبک خاصی است: قواعد اصولی و فقهی شیعه در آن به‌کار رفته است؛ منابع آن قرآن، احادیث نبوی، خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه‌السلام، برخی از خطبه‌های امام حسین علیه‌السلام، سنت امامان معصوم، دیدگاه‌های حکیمان مسلمان مانند خواجه نصیر طوسی و گاه اندیشه‌های سیاسی ایران باستان است؛ جهت‌گیری آن مبتنی بر نگرش شیعی است و به‌گفته حمید عنایت «بسیار بدیعتر و منظمتر از طبایع الاستبداد» است (۱۳۵۶ ش، همانجا؛ ثقفی، ص ۱۳۴؛ برای اطلاعات بیشتر به شیرزادی، ص ۷۲-۳۳). با اینهمه نمی‌توان تأثیر غیرمستقیم اندیشه‌های غربی و نویسندگان عرب را بر آن نادیده گرفت. به‌نوشته برخی مؤلفان (به حرزالدین، ج ۱، ص ۲۸۶؛ امین، ج ۶، ص ۵۴) نائینی چند سال پس از انتشار کتاب، اقدام به جمع‌آوری آن کرد. درباره علت این اقدام اظهارنظرهای متفاوت شده است (به همانجا؛ حائری، ص ۲۲۰-۲۱۹) برخی نیز درباره اصل این اقدام تردید کرده‌اند (به نائینی، ۱۳۵۸ ش، مقدمه طالقانی، ص ۱۶-۱۷؛ نیز به همان، ۱۳۸۲ ش، مقدمه ورعی، ص ۲۰-۲۳؛ غروی نائینی، ص ۲۰-۲۱). با اینهمه شاگردانی که نزد نائینی درس می‌خوانده‌اند، از دلسردی و سکوت وی سخن گفته‌اند، که علت آن را نیز سلطه استبداد بر مشروطه و انحراف آن (نائینی، ۱۳۵۸ ش، همان مقدمه، ص ۱۷)، جو عوام‌زده محیط (مطهری، همانجا)، مصلحت زمانه و سوءاستفاده عناصر ناصالح و انتقادات مذهبی و مردمی نسبت به افراط و تفریط‌های مشروطه حاکم (نجفی، ص ۱۶-۱۷) دانسته‌اند. هرچند هیچیک از اینها به معنای آن نیست که نویسنده از نظریه خود عدول کرده باشد. بعلاوه، هیچ قرینه دیگری هم در این باره وجود ندارد.

رساله تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة اولین بار در ۱۳۲۷ در بغداد و یک سال بعد در تهران چاپ شد (به مشار، ستون ۲، ص ۱۴۲۹؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۴۴۰) و اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت. بسیاری از فضلا از آن تمجید کردند و گاه آن را از کرامتهای مکتب ائمه هدی علیه‌السلام خوانده‌اند (نائینی، ۱۳۵۸ ش، همانجا). این کتاب در ۱۳۰۹-۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۰-۱۹۳۱ در لبنان به عربی ترجمه و در مجله العرفان چاپ شده است (حائری، ص ۲۱۸). این کتاب در ۱۳۳۴ ش همراه با یک مقدمه هجده صفحه‌ای و توضیحات و پاورقیهای سید محمود طالقانی با عنوان تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة، یا، حکومت از نظر اسلام، نیز در تهران منتشر شد و پس از آن بارها این رساله به چاپ رسیده

است. همچنین در ۱۴۱۹ این کتاب بار دیگر به عربی ترجمه شده و مؤسسه احسن‌الحديث در قم آن را منتشر کرده است. اخیراً سید جواد ورعی این کتاب را تصحیح و تحقیق نموده و آن را با مقدمه‌ای در ۱۳۸۲ ش به چاپ رسانده است.

منابع: فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران ۱۳۵۵- [۱۳۷۰ ش]؛ آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ محمد ثقفی، «اندیشه سیاسی میرزای نائینی»، حکومت اسلامی، سال ۲، ش ۱ (بهار ۱۳۷۶)؛ عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران ۱۳۶۴ ش؛ محمد حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم ۱۴۰۵؛ محمداسماعیل رضوانی، «بیست و دو رساله تبلیغاتی از دوره انقلاب مشروطیت»، راهنمای کتاب، سال ۱۲، ش ۵ و ۶ (مرداد و شهریور ۱۳۴۸)؛ محمدعلی روضانی، زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، اصفهان ۱۳۳۲ ش؛ رضا شیرزادی، «بررسی مقایسه‌ای اندیشه سیاسی کواکبی و نائینی براساس دو کتاب طبایع الاستبداد و تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة»، راهبرد، ش ۱۷ (زمستان ۱۳۷۸)؛ حمید عنایت، تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه ابوظالب حارمی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ همو، سیری در اندیشه سیاسی عرب: از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم، تهران ۱۳۵۶ ش؛ مهدی غروی نائینی، «گفت‌وگو با حجة الاسلام والمسلمین غروی نائینی»، حوزه، سال ۱۳، ش ۴ و ۵ (مهر - دی ۱۳۷۵)؛ خانبابامشار، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران ۱۳۵۵، ۱۳۵۰ ش؛ مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، قم ۱۳۵۷ ش؛ محمدحسین نائینی، تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملّة، یا، حکومت از نظر اسلام، به‌ضمیمه مقدمه و باصفحه و توضیحات بقلم محمود طالقانی، تهران ۱۳۵۸ ش؛ همان، چاپ جواد ورعی، قم ۱۳۸۲ ش؛ موسی نجفی، بنیاد فلسفه سیاسی در ایران: عصر مشروطیت، تهران ۱۳۷۶ ش؛ ابوزر ورداسبی، حکومت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله نائینی، تهران: مولی، [بی‌تا].

/ محمدحسین جمشیدی /

تنبیه‌الخاطر ← تنبیه‌الخاطر و نزّه‌النواظر

تنبیه‌الخاطر و نزّه‌النواظر، کتابی به عربی تألیف وّرام‌بن ابی‌فراس حلّی، فقیه و محدّث امامی قرن ششم و آغاز قرن هفتم. شیخ ابوالحسن وّرام‌بن ابی‌فراس‌بن حمدان مالکی نخعی در حله، که تا چند قرن پس از وی مرکز تشیع و فقهات بود، به دنیا آمد. از تاریخ ولادت وی اطلاعی در دست نیست. بسیاری از شرح‌حال‌نویسان او را عرب‌نژاد و از نسل مالک‌اشتر، صحابی حضرت علی، دانسته‌اند (برای نمونه به منتجب‌الدین رازی، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ حرّعاملی، قسم ۲، ص ۳۳۸؛ محسن امین، ج ۴، ص ۶۲۱) ولی بنابه تحقیقات مصطفی جواد (ص ۸۴-۱۲۱)، نیاکان وی از مؤالیانِ کُردِ بنی‌اشتر بودند که در سال ۶۶ همراه مختار ثقفی قیام کردند. وّرام از خاندانی بلندپایه بود که

تنبيه الخواطر مشتمل است بر دو جزء که هر دو با نظمى تقريبى فصل بندى شده اند. کتاب فاقد ترتيبى خاص در بيان مطالب است و به رغم وجود عناوين مشخص براى هر فصل، مطالب فصول وحدت موضوعى ندارد و بيشتر شبیه چُنْگى است حاوى احاديث و اشعار و امثال و حکايات. جزء نخست شامل ۶۶ عنوان مستقل است ولى مؤلف براى مطالب جزء دوم عناوين مشخص نکرده است. در جزء اول، تأثير احياء علوم الدين^۹ غزالى بر کتاب آشکار است به حدى که مى توان اين جزء را گزيده اى از آن کتاب دانست. ورام در بسيارى موارد نوشته هاى غزالى را عيناً يا با اندک تغييرى ذکر کرده بى آنکه نامى از غزالى ببرد. مضامين عمده اين جزء عبارت است از مواعظى در اخلاق عملى همچون سفارش به زهد و تهذيب اخلاق، برشمردن صفات رذيله و شيوه هاى درمان آنها، ذکر فضائل و راه کسب آنها، مطالبى درباره آداب معاشرت و ديگر جزئيات زندگى، فصول متعددى درباره مرگ و حيات اخروى و وصف قيامت. در جزء دوم نيز همين مضامين تکرار شده است. از ديگر مطالب اين جزء خطبه هاى پيامبر و امامان و مناظره هاى شيعيان است. به طور کلى رويکرد مؤلف را مى توان اخلاق زاهدانه مبتنى بر کتاب و سنت دانست که با وسعت نظر خاصى همراه شده؛ چنانکه در کنار احاديث و سخنان بزرگان دين، از شاهان و بزرگان ايرانى و صوفيه و اهل حکمت نيز سخنان و حکاياتى آورده است. اشکال کتاب، مانند بيشتر کتابهاى که مشتمل بر مجموعه اى از روايات اخلاقى است، بررسى نشدن مستندات است و به نوشته حرّعاملى (همانجا)، روايات غث و سمين در آن وجود دارد. مجلسى (ج ۱، ص ۲۹) نيز در عين استفاده بسيار از اين کتاب، نوشته است که در آن تفکيک لازم ميان روايات صورت نگرفته و آثار امامان شيعه و اخبار اهل سنت با هم آميخته است و از همين رو، وى فقط روايات موثق آن را نقل مى کند. گرچه به نظر آقابزرگ طهرانى (ج ۲۴، ص ۱۳۱) ورام بعد اخبار شيعى و سنى را در آميخته است تا عامه به کتاب رغبت کنند و هدايت شوند. در هر حال مجموعه ورام از مراجع عمده در موضوع اخلاق بوده است و کسان بسيارى از آن روايت کرده اند. بنا به نوشته ميرزا عبد الله افندى اصفهانى در رياض العلماء (ج ۵، ص ۲۸۶)، از تنبيه الخواطر يك تحرير مختصر و يك تحرير مفصل وجود داشته است. ابن طاووس نيز مواردى را به نقل از اين کتاب در فلاح السائل و اليقين آورده که در نسخه چاپى نيست و احتمالاً براساس تحرير مفصل کتاب بوده است (کولبرگ، ص ۳۸۶). نسخه متداول تنبيه الخواطر دو جزء در يك مجلد است که نخستين بار در ۱۳۰۲-۱۳۰۳ در تهران چاپ سنگى شد و پس از آن مکرر به چاپ رسيد. نسخه اى از آن نيز در تهران با تصحيح و تعليقات شيخ على اصغر حامد چاپ شده است.

برخى از اميران از آن برخاسته بودند (حسن امين، ج ۱، ص ۲۴۹). او نيز به اميرى لشکر رسيد ولى پس از چندين از همه مناصب خود دست کشيد و راه زهد و عبادت و درس و بحث را در پيش گرفت (ابن حجر عسقلانى، ج ۶، ص ۲۱۸؛ حسن امين، همانجا). وى در دوم محرم ۶۰۵ در حله وفات يافت (ابن اثير، ج ۱۲، ص ۲۸۲). پيكرش را به نجف منتقل کردند و در حرم حضرت على عليه السلام به خاک سپردند (حسن امين، همانجا). از استادان وى، سديد الدين محمود بن على جمصى^{۱۰} (منتجب الدين رازى، ص ۱۲۹؛ حرّعاملى، همانجا؛ افندى اصفهانى، ج ۵، ص ۲۸۲) و از مشايخ روايى وى، محمد بن محمد بن هارون معروف به ابن کمال بودند (افندى اصفهانى، همانجا). او همچنين از على بن ابراهيم عرّفى علوى حسينى روايت کرد (همانجا) و در تنبيه الخواطر (ورام، ج ۲، ص ۳۰۳) به نام او تصريح کرده است. ابو عبد الله محمد بن جعفر مشهدى، صاحب المزار، از ورام روايت کرده (محسن امين، ج ۹، ص ۲۰۲) و شهيد ثانى نيز به واسطه او از ورام روايت نموده است (حرّعاملى، همانجا؛ قس افندى اصفهانى، ج ۵، ص ۲۸۳-۲۸۴). از آثار ورام، جز تنبيه الخواطر، کتابى را با عنوان مسئله فى المواسعة و المضايقة نام برده اند (آقابزرگ طهرانى، ج ۲۰، ص ۳۹۵). شيخ منتجب الدين رازى در الفهرست (همانجا) از او با عنوان امير زاهد و فقيه ياد کرده و نوشته که او را در حله ديده است. ابن طاووس در برخى آثار خود، همچون الامان من اخطار الاسفار و الازمان (ص ۱۰۳)، تصريح کرده که ورام جد مادري اوست. وى نوشته است که جدش تأثير بسيارى در زندگى علمى وى داشته (ص ۱۳۷۰، ص ۱۰۹) و از کسانى بوده که رفتارشان سرمشق ديگران است (ص ۱۳۷۷، ش، ص ۱۵۶). ابن طاووس همچنين از ارادت ورام به اهل بيت پيامبر سخن گفته است (همانجا). عنوان کتاب ورام در منابع به صورته اى ديگر نيز آمده است، مانند تنبيه الخاطر و نزهة الناظر (مجلسى، ج ۱، ص ۱۰، ۲۲، ۱۰۶)، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر (آقابزرگ طهرانى، ج ۱۲، ص ۶۶؛ زرکلى، ج ۸، ص ۱۱۳)، تنبيه الخواطر (نورى، ج ۱، ص ۱۰۹؛ محسن امين، ج ۳، ص ۴۴۸)، تنبيه الخاطر (مجلسى، ج ۱، ص ۲۹، ج ۸۵، ص ۴)، نزهة الناظر (آقابزرگ طهرانى، ج ۲۰، ص ۱۰۹) و تنبيه الخواطر و نزهة الناظر (حسن امين، ج ۱، ص ۲۵۰). اين کتاب به مجموعه ورام نيز معروف است. همانطور که از عنوان کتاب و عبارت توضيحي «فى الترغيب و الترهيب و المواعظ و الزواجر»، که در برخى منابع پس از عنوان کتاب آمده (براى نمونه - آقابزرگ طهرانى، ج ۲۴، ص ۱۳۰)، بر مى آيد، موضوع آن مواعظ و حکم اخلاقى است.

ترجمه فارسی تنبیه الخواطر به قلم محمدرضا عطائی با عنوان مجموعه وزام: آداب و اخلاق در اسلام در ۱۳۶۹ ش در مشهد منتشر شد. به نوشته آقابزرگ طهرانی (ج ۴، ص ۱۳۴)، در ۱۳۰۱ سیدصادق بن حسین توشخانکی نیز این کتاب را به فارسی ترجمه کرده بوده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ ابن اثیر؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن ۱۳۲۹-۱۳۳۱، چاپ افست بیروت ۱۳۹۰/۱۳۷۱؛ ابن طاووس، الامان من اخطار الاسفار و الازمان، قم ۱۴۰۹؛ همو، فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل اليوم و اللیلة، چاپ غلامحسین مجیدی، قم ۱۳۷۷ ش؛ همو، كشف المحجة لثمره المهجة، نجف ۱۳۷۰/۱۹۵۱؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ حسن امین، مستدرکات اعیان الشیعة، بیروت ۱۴۰۸-۱۴۱۶/۱۹۸۷-۱۹۹۶؛ محسن امین، اعیان الشیعة، چاپ حسن امین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ مصطفی جواد، «جاوان القبيلة الكردية المنسية و مشاهیر الجاوانیین»، مجلة المجمع العلمي العراقي، ج ۴، ش ۱ (۱۳۷۵/۱۹۵۶)؛ محمد بن حسن حرعاملی، امل الامل، چاپ احمد حسینی، قم ۱۳۶۲ ش؛ زرکلی؛ اتان کولبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۷۱ ش؛ مجلسی؛ علی بن عبیدالله منتجب الدین رازی، الفهرست، چاپ جلال الدین محدث ارموی، قم ۱۳۶۶ ش؛ حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۸-۱۳۲۱، چاپ افست تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۳؛ مسعود بن عیسی وزام، تنبیه الخواطر و نزعة النواظر المعروف بمجموعة وزام، [چاپ علی اصغر حامد، تهران ۱۳۷۶].

/ علیرضا بهار دوست /

التنبیه فی الفقه الشافعی، از مهمترین متون فقهی شافعیان تألیف ابواسحاق شیرازی^۵، فقیه شافعی قرن چهارم و پنجم. التنبیه کتابی است مختصر که جایگاه علمی مؤلف و ویژگیهایی مانند نشر روان و ساده، به کار بردن تعبیرات روشن و پرهیزکردن از جدل و مناقشه در میان آراء، آن را در زمره مهمترین متون فقه شافعی قرار داده است (هیتو، ص ۱۶۸؛ زحیلی، ص ۵۱۵)، به طوری که در بین پنج کتاب فقهی مشهور شافعیان (التنبیه، المختصر، المهذب، الوسیط و الوجیز) مقبولترین متن فقهی به شمار می رود (نوری، تهذیب، ج ۱، ص ۳۴؛ هیتو، همانجا). تألیف کتاب در ۴۵۲ آغاز شده و در ۴۵۳ به پایان رسیده است (ابن قاضی شهید، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۴۶). آن را مشتمل بر دوازده هزار مسئله دانسته اند (صَفَدی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۶۳).

التنبیه شامل چهارده «کتاب» (باب) فقهی است که از طهارت آغاز می شود و به شهادت ختم می گردد. مؤلف در همه ابواب فقهی، فتواهای خود را به اختصار و بدون ذکر دلیل آورده است. وی هرچند در برخی فروع فقهی به آرای گوناگون - که

بعضاً نزد او پذیرفته نیست - اشاره کرده، به آرای مذاهب دیگر تصریح ننموده و ظاهراً از هیچ فقهی نام نبرده است (ابواسحاق شیرازی، ۱۴۰۳).

ابواسحاق در تألیف کتاب و شیوه بیان مطالب، از التعلیقه (شرح مهم المختصر مُرْتَنی و از منابع اصلی شافعیان عراق و گروهی از فقهای مکتب خراسان، اثر ابوحامد بن ابی طاهر اسفراینی، متوفی ۴۰۶) و در انتخاب عنوان آن از التنبیه ابن جُنّی (متوفی ۳۹۲) در نحو، الهام گرفته است (ابن خلکان، ج ۳، ص ۲۴۶-۲۷۴؛ ابن قاضی شهید، ۱۴۰۷؛ زحیلی، همانجا؛ د. اسلام، چاپ دوم، ج ۹، ص ۱۸۸).

در منابع فقهی شافعی به التنبیه و شرحهای آن بسیار استناد شده است (برای نمونه - ابن صلاح، ج ۱، ص ۲۵۱، ۲۶۱، ج ۲، ص ۴۳۱، ۴۴۷؛ نوری، المجموع، ج ۲، ص ۴۶، ۵۰، ۱۸۲، ۳۴۷؛ خطیب شیرینی، ج ۱، ص ۴۸، ۱۴۲، ۲۴۶؛ شروانی، ج ۱، ص ۱۰۷، ۱۹۴، ۲۲۶). عالمان بسیاری به تدریس، حفظ و شرح التنبیه می پرداختند و کسانی که آن را حفظ می کردند، نزد سایر علما مقبولیت بیشتری می یافتند (هیتو، ص ۱۶۸؛ برای نظر علما درباره کتاب - ابن عساکر، ص ۲۷۷؛ نوری، تحریر، ص ۲۷؛ سُبْکی، ج ۴، ص ۲۲۹؛ حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۴۸۹). از جمله حافظان التنبیه، تقی الدین سُبْکی (متوفی ۷۵۶)، جمال الدین ابن قلائیسی (متوفی ۷۳۱)، بدرالدین بن مکتوم (متوفی ۷۹۷)، شمس الدین سلسبیلی (متوفی ۷۷۰) و علی بن محمد موصلی (متوفی ۷۳۴) بودند (نعمی دمشقی، ج ۱، ص ۱۳۴، ۱۹۷، ۳۷۱-۳۷۲، ج ۲، ص ۱۶۲، ۳۹۹؛ برای موارد دیگر - ابن عراقی، قسم ۲، ص ۲۹۹، ۴۱۴؛ ابن قاضی شهید، ۱۹۷۷-۱۹۹۴، ج ۲، جزء ۱، ص ۱۶۵، ۳۳۳، ۶۰۲، ج ۳، جزء ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰، ۴۶۷، ۴۸۵؛ نعمی دمشقی، ج ۱، ص ۲۰۴، ۲۵۰، ۳۱۳، ۵۹۹). درباره ابن قَنَاح (فقیه شافعی، متوفی ۷۴۱) گفته شده که وی آن چنان بر مطالب التنبیه احاطه داشته که به هنگام پرسش مسئله ای از آن، مسئله قبلی را نیز از حفظ بیان می کرده است (صَفَدی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۶۸).

فقهای شافعی التنبیه را کتابی جامع و کامل می دانستند. نصیرالدین مبارک بن یحیی بصری (متوفی ۶۶۹) مدعی بود که تمام مسائل فقه را می توان از آن استخراج کرد (سبْکی، ج ۸، ص ۳۶۷-۳۶۸؛ سیوطی، ج ۱، ص ۴۱۶). همچنین نقل شده که علی بن قاسم حَکَمی (از مفتیان یمن، متوفی ۶۴۰) همه پرسشهای فقهی را فقط از این کتاب پاسخ می داده است (یافعی، ج ۳، ص ۸۸). متداول بودن تدریس و آموزش التنبیه تا زمان نگارش منهاج الطالبین اثر یحیی بن شرف نوری (متوفی ۶۷۶) ادامه یافت (هیتو، ص ۱۶۸).

بر التنبیه شروح متعددی نوشته شده که اولین آن